

## سوال

پروردگار ما سبحانه و تعالی در قرآن کریم ما را امر نموده تا نعمت‌هایش را یادآور شویم و سپس نعمت‌های پرشماری را ذکر فرموده است، مانند این سخن الله متعال که: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا ۗ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا** [احزاب: ۹] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید نعمت الله را بر خود یادآور شوید آنگاه که لشکرهایی به سوی شما آمدند پس بر آنان تندبادی و لشکرهایی که آنها را نمی‌دیدید فرستادیم و الله به آنچه می‌کنید بیناست). سوال من این است: یادآوری نعمت چنانکه پروردگارمان امر نموده چگونه است؟ آیا منظور ذکر نعمت در برابر مردم و سخن گفتن از آن است یا منظور فقط یادآوری است، یا چیز دیگر؟ الله به شما جزای خیر دهد.

## پاسخ مفصل

الحمدلله.

امر در این آیه کریمه که شما ذکر کردید خطاب به صحابه و مومنان است که نعمت و فضل الله و احسان او را در شکست دشمنان و برگرداندن نیرنگ آنان به یاد آورند.

ابن کثیر - رحمه الله - می‌گوید:

**الله تعالی نعمت و فضل و احسانش در حق بندگان مومن را در دور ساختن دشمنان و شکست آنان هنگامی که علیه آنان در سال خندق یکدست شده بودند یادآور شده است (تفسیر ابن کثیر: ۶ / ۳۸۳).**

هر جا در قرآن سخن از یادآوری نعمت شد منظور یاد آوردن نعمت با دل است که با یادآوری فضل الله بر بندگان صورت می‌گیرد و همچنین یادآوری آن با زبان که با سخن گفتن از آن است و به همین صورت یاد آوردن آن با اعضا و جوارح که آن را در آنچه باعث خشم پروردگار عزوجل است به کار نگیرد.

بنابراین ذکر الله همان شکر اوست که با قلب و زبان و جوارح امکان دارد که هر یک دیگری را تصدیق کند وگرنه آن شکر دروغین خواهد بود.

شیخ ابن عثیمین - رحمه الله - در تفسیر این آیه می‌گوید:

وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ [بقره: ۲۳۱]

(و نعمت الله در حق خود را یادآور شوید).

«ذکر با قلب و زبان و جوارح است؛ ذکر با زبان به این صورت است که بگوید: خداوند به من چنین و چنان نعمت ارزانی داشته، همانطور که الله متعال می‌فرماید: **وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ** [ضحی: ۱۱] (و از نعمت پروردگارت [با مردم] سخن گوی) پس با آن نعمت ثنای الله عزوجل را می‌گویی که: خداوندا برای آنچه از مال یا همسر یا فرزندان یا مانند آن به من نعمت ارزانی داشته‌ای تو را ثنا می‌گویم.

و ذکر با قلب به این شکل است که آن را در دل به یاد بیاوری و به نعمت الله معترف باشی.

و ذکر آن با اعضا و جوارح به این شکل است که طاعت الله را انجام دهی و اثر نعمت الله بر تو دیده شود» (تفسیر سوره بقره: ۱۳۲/۳).

خواجه عبدالله انصاری هروی - رحمه الله - می‌گوید: **معانی شکر سه چیز است: شناخت نعمت، سپس قبول نعمت، سپس ستایش [پروردگار] برای آن.**

ابن قیم - رحمه الله - در شرح سخن شیخ الاسلام هروی می‌گوید:

«اما شناخت آن یعنی حاضر ساختن آن در ذهن و مشاهده و تمییز آن.

شناخت آن: یعنی تحصیل آن در ذهن.

و پذیرش آن: یعنی دریافت آن از مُنعم با اظهار فقر و نیاز به آن نعمت و اینکه رسیدن این نعمت نه از روی شایستگی و پرداخت هزینه‌ای بوده بلکه خود را همچون کسی ببیند که بی‌دعوت به سفره دیگران حاضر شده و این شاهدی است بر پذیرش آن از روی حقیقت.

**سپس ثنای آن یعنی:** ثنای نعمت دهنده که متعلق به نعمت است و بر دو نوع است: عام و خاص:

عام یعنی: وصف او به جود و کرم و نیکی و احسان و عطای گسترده و مانند آن.

و خاص یعنی: سخن گفتن از نعمت او و آگاه ساختن دیگران از اینکه نعمت از سوی او آمده چنانکه الله تعالی می‌فرماید:

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ [ضحی: ۱۱]

(و از نعمت پروردگارت [با مردم] سخن گوی).

درباره این سخن گفتن که به آن امر شده‌ایم دو قول آمده است:

نخست: این یاد آوردن نعمت و آگاه کردن از آن است و گفتن اینکه: خداوند با این نعمت و آن نعمت بر من منت نهاده. **مُقَاتِل** می‌گوید: یعنی نعمت‌هایی را که در این سوره ذکر شده شکر بگو که جبران یتیمی و هدایت بعد از گمراهی و بی‌نیازی پس از فقر است.

و سخن گفتن از نعمت الله شکر است چنانکه در حدیث جابر آمده است: **هر کس در حقش نیکی کردند آن را جبران کند، پس اگر چیزی برای جبران نیافت آن را ثنا گوید. زیرا اگر ثنائش را گوید شکرش را ادا کرده و اگر کتمان‌ش کند کفران ورزیده و آنکه با آنچه ندارد خود را زینت دهد مانند کسی است که دو لباس دروغین پوشیده باشد به روایت بخاری در ادب المفرد (۲۱۵).** آلبانی آن را صحیح دانسته است.

در اینجا سه دسته از مردم را ذکر فرموده: است: آنانی که نعمت را شکر می‌گویند و [منعم را] ثنا می‌گویند و دسته‌ای که آن را انکار می‌کنند و کتمان می‌کنند و دسته سوم که وانمود می‌کنند از اهل نعمت هستند اما نیستند در نتیجه لباسی را به تن کرده‌اند که مال آنان نیست.

و در اثر دیگری که به صورت مرفوع (منسوب به پیامبر صلی الله علیه وسلم) روایت شده آمد است: **آنکه شکر کم را نگوید شکر بسیار را به جای نخواهد آورد و آنکه از مردم تشکر نکند شکر پروردگار را به جای نیاورده است. سخن گفتن از نعمت الله شکر است و ترکش کفران، و جماعت رحمت است و تفرقه عذاب است** به روایت عبدالله بن احمد در **زوائد المسند** (۱۸۴۴۹) و آلبانی آن را حسن دانسته است.

قول دوم: سخن گفتن از نعمت که در این آیه (یعنی آیه پایانی سوره ضحی) به آن پرداخته شده دعوت به سوی الله و تبلیغ رسالت و تعلیم امت است. مجاهد می‌گوید: آن نبوت است. **زَجَّاج** می‌گوید: یعنی آنچه را برایش فرستاده شده‌ای ابلاغ کن و با نبوتی که خداوند به تو ارزانی داشته سخن بگو. کلبی می‌گوید: آن قرآن است. امرش نموده تا آن را بخواند.

اما صحیح این است که هر دو نوع را در برمی‌گیرد. زیرا هر دو نعمتی هستند که امر به شکر و سخن گفتن از آن شده‌ایم و ابراز نعمت از شکر آن است» **مختصر از مدارج السالکین (۲/ ۲۳۷)**.

ابن قیم - رحمه الله - درباره شکر می‌گوید:

**شکر بر سه رکن بنا شده: اعتراف به آن در باطن و سخن گفتن از آن در ظاهر و صرف آن در راه رضایت صاحب نعمت (الواهب الصیب: ۵).**



مراجعه نماييد به پاسخ سوال (125984).

والله اعلم.